

مدیریت در کشاورزی تجاری

غلامعلی نجفی

نظام کشاورزی کشور مجموعه‌ای است پیچیده از عناصر و سیستم‌های فرعی بسیار که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در فعالیتهای کشاورزی مشارکت داشته و مأموریت، هدفها، راهبردها، سیاستها، ... و برنامه‌های کشاورزی کشور را به اجرا می‌گذارد. (۱۶)

نظام کشاورزی از یک طرف خود نظام فرعی نظامهای بزرگتر به حساب می‌آید و از طرف دیگر نظام کلان خود بسیاری از نظام فرعی دیگر، ناگزیر با دیگر نظامها در کنش و واکنش متقابل است، از محیط تأثیر می‌پذیرد و بر آن اثر می‌گذارد. این درهم تنیدگی و پیچیدگی نظام در نظام و شبکه ارتباطی تأثیرگذاری و اثرپذیری وظیفه مدیران سیستم را که هدایت آن را برعهده دارند سخت‌تر و دشوارتر می‌سازد و توفیق در آن جز به مدد دیدی نظامگرا و توجه همه‌جانبه امکانپذیر نیست و صدا البته تصمیمگیرهای تک بعدی حتی اگر به صورت موردی تنها راه ممکن باشد ره به مقصود نمی‌برد و چاره کار نیست.

نظام کشاورزی از یک دیدگاه از نظامهای فرعی مانند برنامه‌ریزی، اداری، تحقیقاتی، آموزشی، مالی - اعتباری، رفتاری، انتقال یافته‌ها و تولید و بهره‌برداری تشکیل شده است. (۱۶) نظام تولید و بهره‌برداری خط مقدم در نظام کشاورزی است و نمود نظام کشاورزی با عملکرد و توانمندی این نظام روشن می‌شود. این نظام دارای دو نهایت است :

نخست - نظام کلان تولید و بهره‌برداری کشاورزی کشور مرکب از مجموع نظامهای تولید و بهره‌برداری خرد و...

دوم - نظام تولید و بهره‌برداری خرد مرکب از آب، زمین، سرمایه، نیروی کار، نهاده‌ها (بذر، کود، سم، ماشین و...)، تکنولوژی و مدیریت نظام.

فرایند نظام تولید و بهره‌برداری خرد عبارت است از تغییراتی که بهره‌برداری یا مدیر سیستم در کاربری آب، زمین، سرمایه، نیروی کار و نهاده‌ها با استفاده از تکنولوژی و امکانات در اختیار ایجاد می‌کند و در نتیجه آن ستانده خاصی را که همان محصولات کشاورزی است به دست می‌آورد. نظام تولید و بهره‌برداری خرد (واحد بهره‌برداری) نیز مانند هر نظام دیگر در کنش و واکنش با نظامهای دیگر و محیط بوده و در حد توان خود اثرپذیر و اثرگذار است. بعلاوه این نظام نیز به عنوان یک نظام باز ناچار از سازگاری و همسازی با شرایط و عوامل محیطی است.

سازگاری به معنی تغییری است که نظام تولید و بهره‌برداری در پاسخ به تغییر اجزای خود یا اثرات محیط، خود را با آنها هماهنگ می‌کند و نیز همسازی بیان‌کننده مجموعه‌ای از واکنشهای همکاری و همراهی یا مخالفت است که در تقلیل تعارض و کشمکش صورت می‌پذیرد و هر واحد بهره‌برداری کشاورزی به عنوان یک نظام فنی - اجتماعی - اقتصادی برای پایداری در محیط متغیر خود بدانها نیاز دارد.

کشاورزی تجاری

کشاورزی تجاری در نوشته‌های کلاسیک اقتصاد کشاورزی دو طبقه از محصولات کشاورزی را مورد توجه قرار می‌دهد :

نخست - محصولات تجاری^x که غالباً امکان مصرف مستقیم ندارد و باید به بازار عرضه شود

* - Commercial Crop

مدیریت در کشاورزی تجاری

مثل توتون، پنبه، نیشکر، چغندر قند، دانه‌های روغنی
دوم - محصولات نقدی^x که اگرچه بخشی از آن به طور مستقیم قابلیت مصرف در واحد تولیدی دارد اما بیشتر به منظور پاسخ به نیازهای بازار تولید می‌شود.
به بیان دیگر کشاورزی تجاری نوعی نظام تولید و بهره‌برداری است که در آن به طور عمده از ابزارها و شیوه‌های نوین استفاده می‌شود و مدیریت آن به تغییرات اقتصادی حساس بوده و در مقابل آن زود عکس‌العمل نشان می‌دهد. به عبارت دیگر نظام تولید و بهره‌برداری کشاورزی تجاری بازارگراست و ارتباط دوجانبه گسترده‌تری با بازار دارد، نهاده‌ها و نیازهای خود را از بازار تأمین می‌کند، تصمیمات تولید بر مبنای قیمت‌ها و خواسته‌های بازار اتخاذ می‌شود. و بالاخره محصولات خود را به بازار عرضه می‌کند. به طور خلاصه مدیریت نظام کشاورزی تجاری سعی در تطبیق سیستم با بازار دارد.

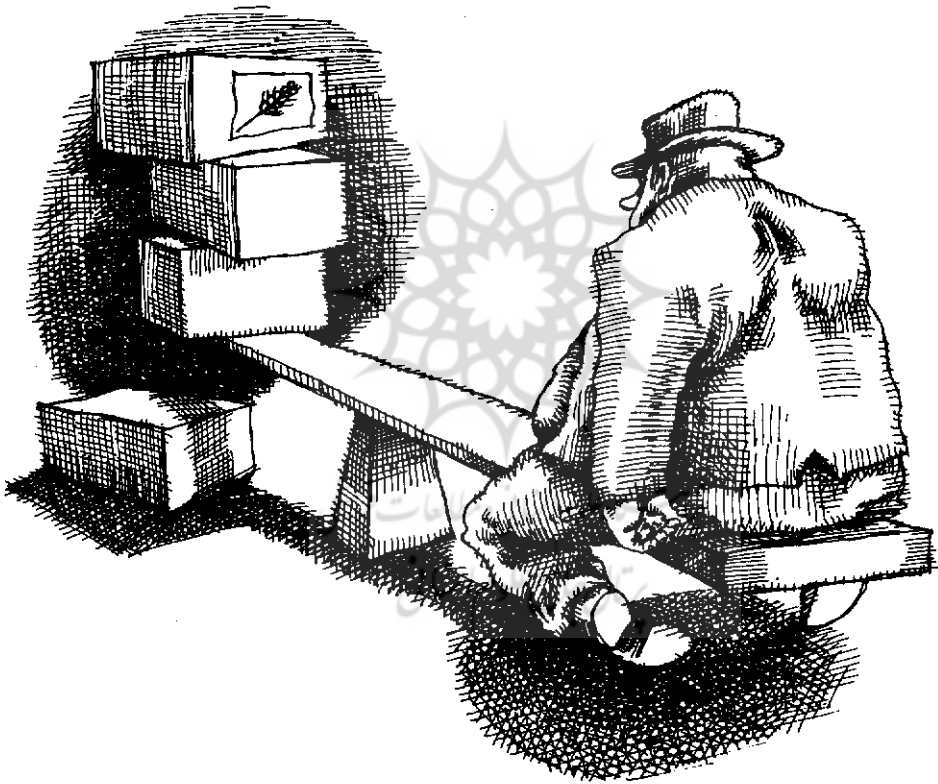
فرایند تغییر کشاورزی معیشتی و سنتی به کشاورزی تجاری کنش و واکنش متقابل را به همراه دارد و همراهی و تقویت محیط و نظام‌های گوناگون را طلب می‌کند و مستلزم اقدامات زیر است:

آغاز تغییرات تکنولوژیک، وجود و کاربرد بذرهای اصلاح شده، تجدید سازمان‌های بهره‌برداری، استفاده وسیع از نهاده‌ها، توسعه مکانیزاسیون، تأمین مالی روستاییان، به جریان افتادن وجوه نقدی، توسعه ساختارهای اجتماعی هدایت‌کننده، توسعه سیستم‌های تحقیقاتی و آموزشی، گسترش سیستم‌های حمل و نقل، نگهداری و انبارداری و بازاریابی، ایجاد زیرساختها (جاده، برق، مخابرات، شبکه‌های آبیاری و زهکشی و...) و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی.

بسیاری بر این اعتقادند که یک مرحله انتقالی بین کشاورزی سنتی و کشاورزی تجاری وجود دارد که در آن تولید محصولات نقدی که خود مستلزم استفاده وسیعتر و آگاهانه‌تر از نهاده‌ها و ترکیب بهتر عوامل تولید و توجه به بازاریابی و فروش سریع محصولات است رونق پیدا می‌کند و نظام تولید و بهره‌برداری خرد از طریق آن با برقراری رابطه وسیعتر با بازار یک حالت نیمه تجاری به خود می‌گیرد.

از همین جاست که شرایط و روابط سیستمی موجب خروج تولیدکننده بد از سیستم می‌شود و

* - Cash Crop



طرح از توکانیستانی

مدیریت در کشاورزی تجاری

به راستی می‌توان گفت که مسئولیت بهره‌بردار تجاری یا کشاورزی با امکانات تکنولوژیک امروز (توان استحصال آب از اعماق زمین، تسطیح با بولدوزر و استفاده از نهاده‌ها) و ارتباطات بسیار (ابر و باد و مه خورشید و فلک در کار و خدمت و ارائه مشورت به او) با مسئولیت کشاورزی سنتی که بیل بزرگترین یاور او محسوب می‌شود متفاوت است. او دیگر یک کشاورز ساده نیست بلکه یک مدیر است که حداقل دو نقش مدیریتی مختلف را باید بر عهده داشته باشد، مدیریت تولید و مدیریت بازرگانی.

مدیریت

به طور خلاصه می‌توان مدیریت را فرایندی دانست که براساس آن مسئول یا مسئولین نظام (به عنوان مدیر یا مدیران واحد بهره‌برداری) هدایت نظام را بر عهده داشته و سعی دارند که از طریق ترکیب مناسب عوامل و کارکرد مطلوب اجزای سیستم و سازگاری و همسازی با محیط به بهترین نحو به اهداف نظام دسترس پیدا کنند.

در متون مدیریت فعالیت‌های اصلی و عمده‌ای را که مدیران انجام می‌دهند در پنج گروه دسته‌بندی می‌کنند: برنامه‌ریزی، سازماندهی، به کارگیری نیروی انسانی، رهبری و نظارت. مدیران واحدها و نظامهای کشاورزی باید با توسل به این فعالیتها و روشهای مطلوب اجرای آنها نظام کشاورزی را به سر منزل مقصود هدایت کنند.

در بحث کشاورزی تجاری سطوح مختلفی از نظامها را می‌توان بر شمرده که در کنش و واکنش متقابل با یکدیگر است و در نهایت جریان تجارت کشاورزی را در کشور شکل می‌دهد و در این مقاله به چهار سطح آن اشاره می‌شود:

۱- نظامهای تولید و بهره‌برداری خرد

۲- نظامهای میانی کشاورزی

۳- نظام اجرایی کلان کشور

۴- نظام بین‌المللی

نظامهای تولید و بهره‌برداری خرد

اجزای نظام تولید و بهره‌برداری خرد عبارت است از: آب، زمین، سرمایه، نیروی کار،

نهادها، تکنولوژی و مدیریت. هر یک از این اجزا گوناگونی خاص خود را دارند که به لحاظ ضرورت بحثهای بعدی به اختصار بدان می پردازد:

زمین: نوع خاک، بافت خاک، PH، حاصلخیزی، پستی و بلندی و...

آب: میزان آب در دسترس، منبع آب (سطحی یا زیرزمینی)، غلظت، املاح موجود در آب و...

سرمایه: نوع سرمایه (جاری و ثابت)، میزان سرمایه و...

نیروی کار: تعداد، سن، جنسیت، مهارت، آگاهی، وابستگی و...

نهادها: انواع بذرهای اصلاح شده، انواع کودها، سموم، ماشین آلات و...

تکنولوژی: چگونگی و نحوه استفاده از آگاهیها (سیستمهای انتقال و استفاده از آب، نحوه

اصلاح و تقویت حاصلخیزی خاک، روشهای مبارزه با آفات و بیماریها و...)

مدیریت: خصوصیات مدیریتی (قدرت برنامه ریزی، توان سازماندهی و هدایت و نظارت)،

خصیصه های ذاتی (شجاعت و ریسک پذیری یا ریسک گریزی)، صفات اکتسابی (سواد، آگاهی و

مهارت و...)، مشخصه های فردی (سن، جنسیت و...).

محیط و اجزای آن نیز عوامل و عناصر اثرگذار خود را دارد که اشاراتی بدان بی فایده نیست:

محیط اجتماعی - فرهنگی: میراثهای اجتماعی و فرهنگی، آداب و رسوم، سنتها، عادات و

سلیقه ها، الگوگرایی، باورها، اعتقادات، ارزشها، و پذیرشهای متفاوت (فرهنگ پذیری،

برنامه پذیری، انضباط پذیری و غیره).

محیط اقلیمی - جغرافیایی: آب و هوا (رطوبت، بارندگی، پراکنش آن، میزان تابش خورشید،

سرما، گرما و...) شیب، پستی و بلندی، طول و عرض جغرافیایی، دوری و نزدیکی به ارتفاعات و

آب، وجود آفات و بیماریها و...

محیط اقتصادی: نظام قیمتها، عرضه و تقاضای محصولات، دوری و نزدیکی به بازار،

تسهیلات حمل و نقل، رقابت، مالیات، تعرفه ها، یارانه ها، نرخ ارز و...

محیط سیاسی: موقعیت جغرافیایی سیاسی، ارتباط با سایر کشورها، قراردادهای همکاری،

تعارضات یا صف بندیهای سیاسی و...

محیط فنی - تکنیکی: امکانات فنی قابل دسترس، تکنولوژیهای موجود، تغییرات تکنولوژیک،

سیستمها و روشها، قابلیتها و توانمندیهای بکارگیری امکانات فنی و تکنولوژی و غیره.

محیط اداری - سازمانی: واحدهای اداری، سازمانهای خدمت دهنده، سازمانهای بالادست و

پائین دست، ساختارهای اجتماعی مختلف و...

محیط بین المللی: نظامهای بین المللی و منطقه‌ای، مؤسسات حرفه‌ای و تخصصی و...

از یک طرف این محیطها فرصتها (موقعیتهای مناسب) و تهدیدهای (خطرات و مشکلات) مختلفی را فراهم می‌آورند و از طرف دیگر در سازگاری و همسازی با محیط قوتها و ضعفهای نظام تولید و بهره‌برداری خرد آشکار می‌شود. بنابراین مدیر نظام تولید و بهره‌برداری خرد در هدایت نظام مزبور باید از فرصتها و قوتها حداکثر استفاده را بعمل آورده و ضمن فرار از تهدیدها و خطرات نقاط ضعف را برطرف کند و براساس اصول تصمیم‌گیری با ترکیب عوامل و عناصر نظام را بهینه سازد (حداکثر سود، حداقل خطرات و حداکثر دستیابی به هدف را داشته باشد).

او باید برنامه‌ریزی کند:

شکل تقسیم‌بندی مزرعه، ترکیب محصولات مورد کشت، برنامه کشت و کار، سیستم تناوب، جداول زمانی انجام کار، چگونگی استفاده از ماشین، موقع و میزان و نحوه استفاده از نهاده، و نحوه چگونگی و محل فروش محصولات تولیدی را تعیین نماید.

او باید سازماندهی کند:

تقسیم فعالیتها و گروه‌بندی آنها، افراد مورد نیاز، واگذاری فعالیتها به افراد مناسب، و نحوه تخصیص تجهیزات مورد نیاز را مشخص کند.

او باید هدایت کند:

روشهای مناسب ارتباطی و انگیزه‌های لازم را فراهم کرده و با حل تعارضات و مشکلات، افراد را در رسیدن به اهداف مورد نظر رهبری کند.

او باید نظارت کند:

کارکردها را سنجش و با معیارها و شاخصها تطبیق کرده و در مورد اصلاحات مورد نیاز تصمیم‌گیری کند.

انتخاب بذر و کود و سم مناسب، انجام عملیات صحیح، حفاظت حاصلخیزی خاک، کاربرد ماشین‌آلات، استفاده از سیستمهای انتقال آب و برآورد نیازهای سرمایه‌ای و کار و نیز انجام برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت مستلزم جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحلیل اطلاعات و درک نظام، قضاوت صحیح، انجام پیشبینی‌های لازم درخصوص میزان تولید و قیمت آینده محصول است و مدیر واحد تولیدی یا زارع باید برای چنین کاری یک برنامه و بودجه خاص برای خود

داشته باشد تا بتواند به وضعیت خود سروسامان بایسته داده و وضعیت محصول و درآمدها را باتوجه به قیمتهای آتی بازار (حداقل برای یک فصل بعدی که البته از عهده زارع یا بهره‌برداری معمولی خارج است) پیشبینی کند و از این طریق ترکیب بهینه عوامل را ترسیم نماید. او در عین حال باید وظایف مدیریتی تولید و بازرگانی سیستم خود را انجام دهد و برای آنها نیز به ناچار به برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت (حتی اگر بعضی از موارد آن کمتر محسوس باشد) بپردازد و از این طریق بیشترین درآمد را کسب کند تا:

هزینه‌های عملیاتی را پوشش دهد، ساختمانها و اثاثیه و ماشین‌آلات و تجهیزات سایر داراییها را نگهداری کند، هزینه‌های نیروی انسانی را تأمین کند، استهلاک سرمایه و حقوق مدیریت را بپوشاند، بهره سرمایه را به نرخ بازار به صاحبش برگرداند و تنخواه گردان لازم را برای عملیات آتی فراهم کند.

و البته معلوم است که درآمد حاصل از فروش خود به عوامل بسیاری بستگی دارد: میزان و کیفیت محصول (که خود تابعی از شرایط آب و هوایی و وجود آفات و بیماریها و وضعیت مزرعه از نظر حاصلخیزی خاک و غیره است)، موقعیت مزرعه (دوری یا نزدیکی به بازار فروش، جاده و دسترسی و غیره)، مهارت و توان نیروی انسانی در اختیار، میزان سرمایه، عرضه و تقاضای محصول (قیمت) و بخصوص شایستگی مدیریت.

مسئله موقع‌شناسی و تطبیق اوضاع با شرایط زمانی و مکانی از جمله مسائل بسیار مهم مدیریت کشاورزی است اما موضوع به همین جا ختم نمی‌شود مسائل دیگری نیز فراروی او قرار دارد که اعم آن عبارت است از:

۱. وسعت مناسب مزارع از دید اقتصادی که خود به عوامل متعددی مثل نوع خاک، شرایط اقلیمی، وجود آب کافی، نوع محصول، مدیریت، و... بستگی دارد مشخص نیست و بررسیهای زیادی در مورد آن وجود ندارد.

۲. عادت به تجارت فردی و عدم آگاهی کافی موجب می‌شود که تغییر تکنولوژی و پیشرفتهای حاصل در زمینه کاربرد ماشین‌آلات، سموم، انواع جدید بذرها و... به سادگی مورد قبول واقع نشود.

۳. تنوع ماشین‌آلات، عدم وجود مکانیک و کارگاههای تعمیراتی در دسترس و وسایل یدکی و... موجب می‌شود که ماشین‌آلات در خدمت نظام تولید و بهره‌برداری نباشد و نتواند نظام مطلوب

مدیریت در کشاورزی تجاری

استفاده از ماشین را بوجود آورد. به عنوان مثال کمبود لوازم یدکی و سازماندهی کاربرد اقتصادی کمباین (احتساب پرداخت هزینه برداشت به صورت هکتاری نه مقدار برداشت) سبب کاهش دقت در برداشت و در نتیجه افزایش ضایعات می شود و تولیدکننده نمی تواند این مکانیزم را تغییر دهد. ۴. در سراسر جهان کشاورزان خواه زمین آنها کوچک باشد یا متوسط یا بزرگ نسبت به انگیزه ها و فرصتهای اقتصادی پاسخ مثبت و فوری نشان می دهند.

متأسفانه کشاورزان، چون قدرت تحلیل رویدادها و مراحل کار را ندارند کمتر راههای افزایش درآمد از طریق کاهش هزینه ها مورد توجه آنها قرار می گیرد و بیشتر به قیمت محصول فکر می کنند.

۵. به طور معمول کشاورز از توانندی پیشینی قیمت چند ماه بعد (قیمت زمان برداشت محصول) برخوردار نیست، بلکه قیمت های سال قبل یا زمان کشت ملاک قرار می گیرد، یعنی همیشه یک سال یا چندماه عقب است. و این در حالی است که موارد زیر مزید بر علت می شود:

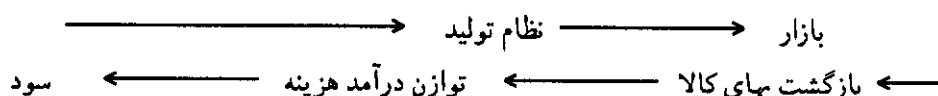
نخست - در مورد محصولات کشاورزی هیچ وقت یک قیمت واحد حتی در یک بازار وجود ندارد. علت اختلاف قیمت ها هم بسیار است. در یک بازار معین در مورد میوه رسیدگی، اندازه، رنگ، عطر و در مورد محصولات زراعی مثل گندم و برنج درصد ناخالصی، شکستگی، درصد رطوبت و غیره موجب تغییر قیمت می شود.

دوم - قیمت در مراکز مصرف بیشتر و در مناطق دور از محل مصرف و در مراکز تولید پایینتر است و متأسفانه تولیدکننده از قابلیت رقابت و جانشینی کالاها اطلاع کافی ندارد.

سوم - تغییراتی از قبیل تغییرات فصلی، تغییرات ناشی از عوامل و تکنولوژی، حوادث استثنایی و تغییرت غیرمنظم باعث نوسانات قیمت ها می شود.

۶. هر عقل سلیمی تمایل دارد که سرمایه و منابع خود را در استحصال محصولاتی به کار برد که مخارج آن حداقل باشد (قانون سود تطبیق) وقتی دو یا چند نوع محصول در یک ناحیه معین به عمل آید کشاورز باید تشخیص دهد که تولید کدامیک باصرفه تر است. باصرفه بودن به نوع محصول، کمیت و کیفیت تولید، قیمت بازار، هزینه های تولید و... بستگی دارد.

۷. کمبود نقدینگی در مواقع نیاز یکی از مشکلات اساسی نظامهای تولید و بهره برداری خرد را تشکیل می دهد. درآمد این نظامها را به شکل زیر می توان توجیه کرد:



چرخه فوق نشان می‌دهد که سود نظام تولید نوع محصول، میزان سطح کشت و... را تعیین می‌کند. اما واقعیت این است که در بسیاری موارد آنچه از نظر بهره‌بردار سود تلقی می‌شود سود نیست بلکه درآمد ناخالص است. به عبارت دیگر او هزینه‌های نگهداری ساختمان و تأسیسات خود را تا شروع فصل زراعی آینده، دستمزدهای اعضای خانواده و هزینه‌های استهلاک و سود سرمایه به کار انداخته شده را محاسبه نمی‌کند یا نمی‌تواند محاسبه کند. مشکل دیگری که در این جا وجود دارد مسئله تراز مالی سالانه اوست که به صورت چرخه یا سیکل خود را نشان می‌دهد. (۱۷) در پایان تابستان به علت فروش محصولات درآمدها حاصل می‌شود و تراز مثبت صعود پیدا می‌کند، به طور تقریب در زمستان متوقف می‌شود و سپس تراز مثبت رو به کاهش می‌رود و بالاخره تراز مالی منفی می‌شود. این امر در بهار که هزینه‌های زراعی هم ضرورت پیدا می‌کند تشدید می‌شود و وضعیت آسیب‌پذیری را برای این نظامها بوجود می‌آورد و مدیریت نظام گاه به ناچار به سلف‌خرها، واسطه‌ها و... برای وام‌گیری متوسل می‌شود.

۸. وجود واسطه‌ها و دلالها و سلف‌خرها از عمده مشکلات بهم‌ریختگی نظام بازاررسانی محصولات کشاورزی است که بعلت توان مالی و تحرک و موقعیت‌شناسی خوبی که دارند و به دلیل نیاز بهره‌برداران در مواقع بحرانی با خرید تولیدات بهره‌برداران قبل از فصل برداشت سود کلانی می‌برند و ضدکشاورزی تجاری عمل می‌کنند. متأسفانه به علت نبود وجود سازمانها و تشکیلات کارا و پویا برای بازرگانی و مشکلات نظام اعتباری و مقررات دست و پاگیر اداری قدرت مانور و بهره‌گیری آنها در جامعه روستایی قابل توجه است.

۹. سودآوری سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز خود مسئله دیگری است. برای احداث یک باغ ۳۰ هکتاری زیتون حداقل به ۳۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری در حال حاضر نیاز است تا بعد از ۷ تا ۱۰ سال به بار بنشیند. سؤال این است که این سرمایه‌گذاری چقدر در آینده سودآور است؟ آیا با خرید یک یا دو آپارتمان به مبلغ ۳۰ میلیون تومان قابل مقایسه است و سودی برابر خواهد داشت؟

۱۰. هر نظام تولید و بهره‌برداری دارای ساختمانها، وسایل و ماشین‌آلاتی است که با تولیدات

مدیریت در کشاورزی تجاری

بهره برداری تطبیق می‌کند. اگر تقاضای یک محصول کشاورزی کاهش یابد مشکلات دیگری هم حاصل می‌شود. در چنین مواردی یا تولید متوقف می‌شود و ساختارها و وسایل و ماشین آلات بدون استفاده می‌ماند یا تولید در سطح کمتری ادامه می‌یابد و یا نوع تولید و استفاده از ساختمان و وسایل و ماشین آلات به نحوی تغییر پیدا می‌کند و در هر حال قسمتی از ظرفیت بدون استفاده می‌ماند (قسمتی از سرمایه عاطل و باطل می‌شود).

۱۱. بازرگانی و بازاریابی محصولات کشاورزی به همان اندازه مهم است که تولید آن. زیرا تولید موقعی بیشترین سود را خواهد داشت که مدیر نظام یاد شده بتواند در بهترین شرایط و با بالاترین قیمت محصول را بفروش رسانده و درآمد حاصل از سرمایه گذاری و زحمات چندماهه را دریافت کند. در مقابل بیشترین تقاضا موقعی شکل می‌گیرد که محصول به بهترین شکل و وضعیت اما با نازلترین قیمت و با رعایت سلیقه مصرف‌کنندگان به دست آنها برسد.

۱۲. با افزایش سطح درآمد و رفاه جامعه، بالا رفتن آگاهیهای عمومی و توسعه سطح بهداشت، مصرف‌کنندگان تمایل کمتری به مصرف فراورده‌های کشاورزی و غذایی بدشکل، بسته‌بندی نشده و غیربهداشتی پیدا می‌کنند. به علاوه از طریق بسته‌بندی مناسب مسئله حفظ و نگهداری و بهبود وضع مصرف نیز تأمین می‌شود. بنابراین مسئله آماده کردن و بسته‌بندی محصول از مواردی است که در بازاریابی محصولات کشاورزی اهمیت اساسی دارد.

۱۳. اگرچه سرعت فسادپذیری و قابلیت ماندگاری کم از خصوصیات اکثر محصولات کشاورزی است اما وجود محل مناسب نگهداری و رعایت اصول فنی و بهداشتی از اهمیت اساسی برخوردار است. متأسفانه به دلیل ضعف آگاهیهای علمی و کمبود نقدینگی اکثر نظامهای تولید و بهره‌برداری خرد فاقد محل مناسب نگهداری برای دسترنج سالیانه خودند.

۱۴. کمبود صنایع تبدیلی و تکمیلی موجب می‌شود که بازار مطمئن برای محصولات کشاورزی نباشد.

۱۵. نبود جاده یا خرابی راههای ارتباطی مانع مهم دیگری بر سر راه بازاریابی محصولات کشاورزی است. کمبود وسیله نقلیه نیز مزید بر علت است و در موقع برداشت محصول مخارج سنگینی را در قیاس با قیمت فروش محصولات کشاورزی به عنوان هزینه حمل و نقل تحمیل می‌کند. این مشکل حتی از سر مزرعه به ده نیز دیده می‌شود. واقعیت سومی هم وجود دارد و آن اینکه تولیدات کشاورزی با فسادپذیری بالا و قابلیت ماندگاری کمی که دارند برای رسیدن به بازارهای

نقاط دوردست به وسایط نقلیه مجهز به سردخانه یا دستگاههای خنک‌کننده نیاز دارند. این موارد موجب می‌شود که از یک طرف ضایعات محصولات کشاورزی افزایش یابد و از طرف دیگر با افزایش هزینه‌ها سود تولیدات کشاورزی کاهش پیدا کند.

۱۶. نارسایی در امور زیربنایی هم از مشکلات عمده دیگر به شمار می‌رود.

۱۷. تولید محصولات کشاورزی با ریسکهای متعددی همراه است. عمده‌ترین این ریسکها در سه گروه قرار می‌گیرد: (۱۲)

نخست - ریسک تولید - تولید محصولات کشاورزی یک فرایند زیستی است که در همکاری آزاد و در تقابل با دگرگونیهای طبیعت صورت می‌گیرد و بنابراین در معرض شرایط آب و هوایی و آفات و بیماریها قرار دارد و همین عوامل موجب نوسانات تولید می‌شود. به عبارت بهتر عوامل تولید به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف - عوامل تحت کنترل - که مقدار آن تحت کنترل تصمیمگیرنده است مثل میزان مصرف کود و بذر و ...

ب - عوامل از پیش تعیین شده - کمیت آنها در زمان تصمیمگیری روشن است اما تغییرات آن به طور کامل تحت کنترل نیست مثل نیروی کار خانوادگی و ماشین‌آلات در اختیار.

ج - عوامل نامطمئن - کمیت آنها در زمان تصمیمگیری روشن نیست و به طور معمول باید براساس روند گذشته در مورد آن تصمیم گرفت و قابلیت انعطافی برای تصمیمگیریهای بعدی قایل شد مثل شرایط آب و هوایی و آفات و بیماریها.

دوم - ریسک قیمت - قیمت از مواردی است که مدیر نظام تولید و بهره‌برداری هیچگونه کنترلی روی آن ندارد و در واکنش به تغییرات قیمت بازار و تعدیل و تصحیح مقدار تولید فقط در شروع فعالیتهای مربوط به تولید (آنها یکبار در سال) می‌تواند عکس‌العمل نشان دهد. بدیهی است که در کشورهای جهان سوم و دارای تورم این ریسک اهمیت بیشتری دارد.

سوم - ریسک مالی - فاصله زمانی بین انجام هزینه‌ها و فروش محصول (درآمدها) موجب دریافت وام برای هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری می‌شود و امکان دارد که درآمد حاصل از فروش برای بازپرداخت کافی نباشد.

با آنچه که گفته شد معلوم می‌شود که مدیر نظام تولید و بهره‌برداری خرد برای ایفای نقش خود (مدیریت تولید و مدیریت بازرگانی) و اجرای وظایف مدیریتی (برنامه‌ریزی، سازماندهی،

مدیریت در کشاورزی تجاری

بکارگیری نیروی انسانی، هدایت و نظارت) و انجام فعالیتهای مربوطه باید تصمیمات بسیاری را اتخاذ کند که هر یک به عوامل متعدد دیگر وابستگی و پیوستگی دارند. برای اجرای مطلوب این امر به آمارها و اطلاعات دقیقی در زمینه کشت و تولید محصولات کشاورزی، نوسانات قیمتها، تغییرات عرضه و تقاضا و چگونگی ترکیب عوامل نیاز است. بعلاوه افراد بسته به اینکه ریسک گریز یا ریسک پذیر یا بین این دو باشند رفتار متفاوتی را از خود بروز می دهند. اما در کشور ما مدیران نظامهای تولید و بهره برداری خرد به آمارها و اطلاعات لازم دسترس ندارند، مؤسساتی که چنین اطلاعاتی را هم به آنها ارائه دهند وجود ندارد، و عدم آگاهی کافی موجب می شود که تجارب و نقشه و طرحهای خود را روی کاغذ ثبت نکرده و به کار تهیه و تدوین برنامه یا بودجه بندی نپردازند و برعکس در ترکیب عوامل از روشهای مرسوم و سنتی استفاده کرده و تصمیمات لازم را با توجه به سالها کار، عادات و تجربه اتخاذ کرده و طرحهای خود را براساس هوش خود تنظیم نمایند. طبیعی است که چنین وضعی با مشکلات زیر مواجه باشد:

- (۱) تصمیمات مربوط به برنامه ها از روی سنت، عادات و تجربه اتخاذ می شود.
 - (۲) برنامه ها به حافظه تولیدکننده متکی است و از دقت کافی برخوردار نیست.
 - (۳) مسئله دخل و خرج به طور رضایت بخشی پیشبینی نمی شود.
 - (۴) تولید به روش کاملاً اقتصادی و محاسبه شده صورت نمی گیرد.
 - (۵) تشخیص نواقص و نکات ضعف به طور کامل امکانپذیر نیست.
 - (۶) امکان انجام اصلاحات به حداقل ممکن تنزل می یابد.
 - (۷) ترکیب بهینه عوامل و حداکثر سودآوری (جز برحسب تصادف) حاصل نمی شود.
- در حالی که برقراری نظام برنامه ریزی و بودجه بندی مزرعه با رفع مشکلات برشمرده فوق و با مشخص کردن موانع و نواقص و نکات ضعف پایه گذار تغییرات و اصلاحات لازم در امور، تعیین عملیات اجرایی مختلف و برآورد هزینه - درآمد فعالیتهای به عنوان یک ضرورت تلقی می شود که باید در نظامهای تولید و بهره برداری به طور دقیق مورد استفاده قرار گیرد.
- متأسفانه اراضی بزرگ که باید اقتصادی بوده و مشکلات کمتری داشته باشد چنین نیست. به عنوان مثال براساس آمارهای سال ۷۰ در کشور حدود ۸۸۰۰ بهره برداری با متوسط زمین هر بهره برداری بمیزان ۱۹۵ هکتار و جمع اراضی معادل ۱۷۲۰۰۰۰ وجود دارد.

| متوسط کشور | عملکرد به تن | نام محصول |
|------------|-------------------|-----------|
| ۱/۲۵۵ | ۱۰۰ هکتار و بیشتر | گندم |
| ۱/۲۳۶ | ۱/۴۱۵ | جو |
| ۳/۴۲۰ | ۱/۴۰۵ | برنج |
| ۲۸/۶۰۰ | ۲/۷۵۰ | چغندر قند |
| ۲/۱۵۵ | ۲۸/۴۰۰ | پنبه |
| | ۱/۸۵۷ | |

نکته تکمیلی بحث این است که شرکتهای تعاونی روستایی با اینکه مدتها از عمر تأسیس آنها می‌گذرد نتوانسته‌اند مشکلات نظامهای یاد شده را در زمینه مدیریت تولید و مدیریت بازرگانی مرتفع سازند. آنها بیشتر به کار توزیع کالاهای ضروری مصرفی مثل قند و شکر، چای، صابون و روغن نباتی و سیگار پرداختند. اگرچه در سالهای اخیر نمایشگاههای کوتاهمدت توسط این تعاونیها برگزار می‌شود و تجارب خوبی نیز حاصل گردیده است اما چون از مدتها قبل گروهی مأمور و همه امکانات بسیج می‌شود تفاوت فراوان با کار دائم دارد. البته فعال شدن شرکتهای تعاونی و اتحادیه‌های مربوط در عرضه مستقیم کالاهای کشاورزی در نمایشگاهها و فروشگاهها، خرید موقع از تولیدکننده کشاورزی و عرضه ارزانتر محصول به مصرف کنندگان موجب رونق بیشتر کشاورزی و تجاری شدن کشاورزی است و خود مستلزم تقویت تعاونیها، تأمین نقدینگی، دگرگون شدن سیستمها و روشهای مدیریتی آن، وجود انبارها و فروشگاهها و نمایشگاهها، توسعه ناوگان حمل و نقل مجهز و گسترش اعتبارات تعاونی است.

نظامهای میانی کشاورزی

منظور از نظامهای میانی کشاورزی در این بحث نظامهایی است که در بین نظام کلان کشور و نظامهای تولید و بهره‌برداری قرار دارد و به دو گروه عمده تقسیم می‌شود:

نخست - نظامهای سرویس دهنده به نظام تولید و بهره‌برداری یا نظامهای عرضه کننده خوراک دام، کود شیمیایی، سموم، ماشین آلات کشاورزی، بذرها، اعتبارات و...

در کشور ما بسیار از نظامهای سرویس دهنده به کشاورزی دولتی است لذا به این لحاظ که

مدیریت در کشاورزی تجاری

مسائل عمومی دولت در مبحثی دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد در این جا به دو مورد اشاره می‌شود که با تعدیلهایی به سایر موارد نیز قابل تعمیم است.

عرضه کنندگان ماشین‌آلات قبل از هر چیز به فکر اجرای برنامه‌های خود هستند. کیفیت ماشین‌آلات در همه موارد مورد تأیید نیست، برای هر نوع ماشین مخصوص اگر وارداتی باشد تنوع بسیار وجود دارد (از کشورهای مختلف وارد می‌شود)، وسایل یدکی در دسترس نیست، مکانیک و کارگاه مکانیکی در کنار محل تولید مستقر نمی‌باشد، در مورد ماشین آموزش کافی داده نمی‌شود، اپراتورهای ورزیده وجود ندارند، قیمتها بسیار گران است و خرید آن به قیمت گزاف (با نرخ در حال تغییر ارز) و استفاده بسیار کوتاه در طول سال و بیکار ماندن آن در بقیه مدت سال از مسائلی است که وجود دارد و همین موجب کاهش بهره‌وری است و با کشاورزی تجاری در تعارض.

در آلمان ۲۵۰۰ و در فرانسه ۳۲۰۰ پیانکار با در اختیار داشتن ماشین‌آلات و قسمتهای سرویس‌دهنده به آن، کار مکانیزاسیون را به عهده دارند و هر سال نیز نقش آنها گسترش می‌یابد. نظامهای عرضه کننده اعتبارات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

(۱) بانکها - اعتباراتی که بوسیله آنها عرضه می‌شود متناسب با حجم تولیدات کشاورزی، وسعت حوزه فعالیتهای بخش، نیازها و نرخ تورم نیست. و مدیران نظام تولید و بهره‌برداری از نظر دریافت بوقوع و میزان مورد نیاز اعتبار دچار مشکلند.

(۲) منابع غیررسمی (سلف خزان، دلالان، ...) که قبلاً شرح داده شد.

همانطور که از دو مثال فوق روشن می‌شود مدیریت نظامهای سرویس‌دهنده سعی می‌کنند از طریق انجام وظایف مدیریتی (برنامه‌ریزی ... نظارت) عوامل را به نحوی ترکیب کنند که سود خود را به حداکثر برسانند نه اینکه بهترین و مناسب‌ترین خدمات را به بخش کشاورزی ارائه دهند. به عبارت دیگر هر یک از آنها از ظن خود یار کشاورز و کشاورزی هستند نه از دیدگاه نیاز واقعی بخش و موازین علمی و فنی و مصلحتهای ملی.

دوم - نظامهای تقاضاکننده از نظام تولید و بهره‌برداری که به طور کلی می‌توان به آن بازار خطاب کرد و عبارت است از: عمده‌فروشان، خرده‌فروشان، صنایع تبدیلی و تکمیلی، صادرکنندگان و ...

وضعیت محصولات تولیدی از زمان برداشت تا رساندن به بازار مسئله‌ای است که مدیران واحدهای تولید و بهره‌برداری اطلاع کمی از آن دارند بنابراین قدرت مانور کمتری هم دارند.

یکی از بلاهای جهان سوم این است که هرچه از مزرعه به مصرف نزدیکتر می‌شویم عوامل دست‌اندرکار بیشتر سود می‌برند. به عبارت دیگر ارزش افزوده ناشی از بازاریابی کالاهای کشاورزی از ارزش افزوده تولید بیشتر است. به عنوان مثال در سال گذشته در عرض چند ماه سیب‌زمینی از کیلویی ۲۰ تا ۴۰ تومان به ۱۰۰ تا ۱۲۰ تومان رسید یعنی اگر کسی ۱۰۰۰ تن سیب‌زمینی می‌خرد ۸۰ میلیون تومان سود بآورد در مقابل ۲۰ تا ۴۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری داشت. این امر موجب می‌شود که سرمایه به جای تولید به سوی خدمات و توزیع (آن هم احتکار) کشیده شود.

مدیران واحدهای تولیدی در مورد نیاز بازار و سلیقه مصرف‌کننده نیز اطلاع کافی ندارند لذا امکان عرضه محصول به شکلی که با نیاز و سلیقه مصرف‌کننده و قدرت خرید او مطابقت داشته باشد وجود ندارد. در نتیجه بازار با تغییرات مختصر از این امر استفاده می‌کند و سود زیادی نصیب او می‌شود.

البته نبود امکانات مناسب برای درجه‌بندی و بسته‌بندی نیز مزید بر علت است. افزایش اشتغال و بخصوص اشتغال زن و شوهر و کوچک شدن بعد خانوار در شهرها و گسترده‌گی شمار زندگیهای زندگی مجردی در شهرهای بزرگ به نوع یا شکل جدیدی از مواد کشاورزی و غذایی (آماده یا به طور نسبی آماده) نیازمند است. بنابراین سیستم بسته‌بندی باید به سه مسئله اساسی پاسخ دهد: رفع نیاز خریداران و مصرف‌کنندگان، کاهش ضایعات، و فراهم آوردن شرایط مناسب برای حمل و نقل و نگهداری طولانیتر.

ضرورت حمل سریع محصولات کشاورزی و رعایت اصول نگهداری و بهداشتی حاکی از این است که وجود راههای مناسب، ناوگان حمل و نقل مجهز به دستگاههای خنک‌کننده و سیستمهای مناسب توزیع از پایه‌های موفقیت کشاورزان تجاری است.

صنایع غذایی نقش مهمی در اقتصادی و تجاری شدن کشاورزی و اقتصاد ملی دارد، یعنی پشتوانه و بازار خوبی برای تولیدکنندگان کشاورزی است، فرصتهای جدیدی برای اشتغال فراهم می‌آورد، موجب کاهش ضایعات تولیدات کشاورزی می‌شود، به سلیقه‌ها، عادات و نیازهای مصرف‌کنندگان پاسخ می‌دهد، و بالاخره با ایجاد ارزش افزوده نقش مهمی را در اقتصاد ایفا می‌کند.

با این حال به صراحت باید گفت که تعداد و نوع این صنایع (صنایع تبدیلی و تکمیلی) و نیز

مدیریت در کشاورزی تجاری

صنایع بسته‌بندی و سردخانه به حدی گسترش نیافته است که به عنوان یک پشتوانه محکم بخش کشاورزی بتوان از آن نام برد.

اگرچه شرایط گوناگون آب و هوایی کشور، تنوع محصولات کشاورزی و قیمت کم این محصولات قدرت رقابت خوبی را در بازارهای بین‌المللی فراهم آورده است. ولی مدیران واحدهای صادرکننده در برنامه‌ریزیها و اتخاذ تصمیمات لازم برای این امر باید به مسائل مختلفی از جمله شرایط سیاسی، ضوابط بهداشتی، رقابت سایر کشورها، وضع محصولات ما، بسته‌بندی مناسب و استانداردها، نیازهای بازار و سلیقه مصرف‌کننده خارجی توجه بایسته‌ای داشته باشند.

در بعضی موارد بازارهای خارجی بیشتر طالب مواد اولیه و در صورت امکان به صورت بسته‌بندی نشده و فله هستند زیرا بعداً ارزش افزوده بیشتری خواهند داشت. نام و آرم و برجسب مشخص و مشهور (که به مارک و لیبل Label معروفند) نیز اهمیت خاص دارند. از این رو بسیاری از کشورها از اجناس فله و کلی که می‌خرند با تغییر بسته‌بندی و عمل‌آوری و تحت نام و آرم خود سود سرشاری را به دست می‌آورند. مصرف‌کننده هم حق دارد که به نام و آوازه و آرم توجه کند زیرا او می‌خواهد مواد مطمئن، بهداشتی، سالم و خوشمزه خریداری کند. ترکیه و یونان از کشورهایی هستند که به همراه ایران چنین می‌کنند و چون ما در این زمینه‌ها کمتر کار کرده‌ایم اجناس ما حداکثر در فروشگاههای درجه ۳ اروپا به فروش می‌رسد و متأسفانه صادرکنندگان هم به بهانه گران نشدن از تلاش در این زمینه ابا دارند.

نظام اجرایی کلان کشور

این نظام یا دولت مسئولیت سنگینی در سروسامان دادن امور داخلی و مدیریت و برقراری نظام اقتصادی و تجاری مطلوب و ایجاد رابطه متناسب بین نظامهای بین‌المللی و ملی برعهده دارد. متأسفانه تغییرات ساختار، برنامه‌ها و سیاستها... در دستگاههای اجرایی که مشکلات فراوانی را در زمینه ایجاد مدارهای ثابتی که نظامهای کوچکتر از دولت (اعم از واحدهای وابسته به دولت، نظامهای میانی کشاورزی و نظامهای تولید و بهره‌برداری خرد) بتوانند با توجه به آن هدفها و راههای دسترس به آن را ترسیم کنند بوجود می‌آورند. ضمن اینکه فعالیت این نظامها در بحث کشاورزی تجاری یعنی از کاربرد عوامل برای بهینه‌سازی تولیدات کشاورزی تا حرکت محصول از مزرعه به سوی مصرف‌کننده داخلی یا خارجی مستلزم فعالیتهای خاصی است که این موارد حتی

در کشورهای پیشرفته نیز جزو وظایف دولت به شمار می‌رود. در کشورهای جهان سوم و از جمله در کشور ما که دولت نقش برجسته‌تری در اقتصاد ملی ایفا می‌کند این مسئولیت به مراتب سنگینتر و گسترده‌تر خواهد بود. نقش دولت در این زمینه به طور خلاصه عبارت است از: زیربناسازی، آموزش، وضع سیاستها، هدایت، حمایت و نظارت و کنترل بر موارد.

دولت باید در امور زیربنایی مثل راه، برق، آبیاری، تحقیقات، توسعه منابع انسانی، توسعه تکنولوژی و دیگر زیرساختها سرمایه‌گذاری کند. اگرچه هر ساله فعالیتهای تحقیقاتی بسیاری در زمینه‌های مختلف کشاورزی بویژه در زمینه حل مشکلات تولید صورت می‌گیرد با این حال دو نکته حائز اهمیت است:

نخست - هنوز مسائل بسیاری در زمینه تهیه و مصرف نهاده‌ها، بویژه تهیه ارقام بر محصول کیفی و مقاوم و نیز مدیریت آب و تلفیق پهنه آب و خاک و گیاه وجود دارد.

دوم - جهتگیریهای فعلی تحقیقات در زمینه سیستمهای متداول و جاری کشت و تولید محصولات کشاورزی است نه نیازهای واقعی یک سیستم مطلوب کشاورزی تجاری، به عبارت بهتر تولید هدف است نه خواسته‌ها و سلیقه‌های مصرف‌کننده و نیازهای بازار.

منابع انسانی غنی نبوده و از زاویه کشاورزی تجاری توسعه نیافته است و تکنولوژی مناسب در دسترس نیست. بهمین دلایل بخوبی روشن است که چرا نتوانستیم از آب و هوای متنوع کشور حداکثر استفاده را ببریم و سیستمهای جدید قادر به بهره‌برداری بیشینه از انرژی خورشیدی که به وفور در اختیار است ارائه نشده است.

نظامهای برشمرده در استفاده از آگاهیها نیز با مشکلاتی روبه‌رویند:

- کم‌سوادی مدیران واحدهای تولید و بهره‌برداری مانع درک مطلوب آگاهیهای ارائه شده و کاربرد آنها می‌شود.

- در دسترس نبودن آگاهیهای جدید هم به عنوان مانع عمل می‌کند و حوزه آگاهیهای فردی (حتی یک متخصص) در قیاس با حدود گسترده شدن یافته‌ها و آگاهیهای جدید محدودتر می‌شود.

- نبود امکان سیستمدهی و استفاده از اطلاعات موجود یا به عبارت بهتر صورتبندی (فرموله کردن) نشدن اطلاعات و استفاده پهنه از آنها نیز مزید بر علت است.

اگرچه همه نظامهای درگیر در هر دو زمینه کشاورزی و بازرگانی به آموزشهای گسترده‌تر نیازمندند، اما آنچه به عنوان هدفهای آموزشی مورد توجه است زمینه‌های کشاورزی است و با

مدیریت در کشاورزی تجاری

اهمیتی که موارد بازرگانی دارد، هیچگونه آموزشی درخصوص بازاریابی محصولات کشاورزی، شناخت بازارها، مکانیزمهای اقتصادی مؤثر در بازار، نحوه بسته‌بندی با توجه به نوع حمل و نقل (هوایی، دریایی یا زمینی) و سلیقه مصرف‌کنندگان و خواسته بازار، سیستمهای نگهداری، توزیع و فروش داده نمی‌شود و متأسفانه در ایران هیچ سازمانی مسئولیت آموزش چنین وظایفی را به عهده ندارد.

اثر سیاستهای دولت از قبیل سیاستهای اعتباری، ارزی، مالیاتی، گمرکی و سیاست قیمتها و... در کشاورزی و بویژه در کشاورزی تجاری بر کسی پوشیده نیست. در حقیقت سیاستها با نیروی محرکه توسعه را در اقتصاد بازار بوجود می‌آورد یا به عنوان مانع در این زمینه عمل می‌کند. به عنوان مثال سیاستهای مناسب بازرگانی خارجی واردات نهاده‌ها و صادرات محصولات تولیدی را تسهیل می‌کند یا سیاستهای پولی مناسب امکانات و تسهیلات اعتباری مورد نیاز برای تشویق بخش خصوصی و سیستمهای بازرگانی و تأمین خدمات حمایتی برای بازرگانان را فراهم می‌آورد. اما در این زمینه سه مشکل عمده وجود دارد:

نخست - یک بی‌تعادلی درازمدت از تخصیص منابع در نتیجه حمایت مداوم از صنعت و دیگر بخشها به زیان بخش کشاورزی بوجود آمده است که حاصل آن رشد ضعیف و ساختار نامطلوب بخش کشاورزی است.

دوم - سیاست مؤثر بر بخش کشاورزی مثل سیاستهای مربوط به تخصیص اعتبارات، عملیات زیربنایی، الگوی کشت، پرداخت یارانه‌ها، قیمتگذاری محصولات کشاورزی، تجارت خارجی، بیمه محصولات کشاورزی، خصوصی‌سازی و... که به طور اصولی باید با توجه به یکدیگر و در جهت دستیابی به هدفهای خاص طوری وضع شود که بهترین نتیجه از ترکیب آنها حاصل گردد، در سنجش و پیوستگی بایسته با یکدیگر چه در سطح ملی و چه در سطح دستگاهی وضع نمی‌شود. سوم - آن دسته از سیاستهای دولت که با استفاده از مکانیسمهای قانونی و اقتصادی (مثل قیمتگذاری و برقراری یارانه‌ها یا سایر کمکها به لحاظ تأمین مایحتاج اصلی غذایی مردم) به محصولات غذایی استراتژیک مساعدت می‌نماید و به یقین بر کار تولید (عرضه) و تقاضا اثر می‌گذارد با گرایشهای افراد به کشت تجاری در تعارض است و موجب بروز یک وضعیت متناقض می‌شود که مشخصه اقتصادهای در حال گذران است.

قیمتگذاری نیز موضوع حساس و مهمی را تشکیل می‌دهد. دولتها از طریق دخالت در

قیمتگذاری (قیمتهای تضمینی، تثبیتی و...) قدرت تأثیر بزرگی را در اختیار دارد. به عنوان مثال کمی بالاتر محاسبه کردن راندمان متوسط محصول موجب تعیین قیمت پایینتری می شود که می تواند سبب عدم صرفه برای گروهی از تولیدکنندگان و خروج آنها از چرخه تولید محصول خاص شود. به لحاظ اهمیت بسیاری که مسئله قیمتگذاری در جهتدهی به تولید محصولات کشاورزی دارد در بسیاری از کشورها قیمتگذاری به عنوان سیاست اصلی قلمداد شده و دیگر سیاستهای حمایتی دولت با توجه به آن وضع می گردد. در این خصوص دو اقدام اساسی نیز در کشورهای پیشرفته صورت می پذیرد:

الف - در مراکز پژوهشهای کاربردی و با تولید مستقیم محصولات کشاورزی هزینه ها و بازده مزارع براساس قیمت های متداول روز، میزان تولید در واحد سطح و قیمت تمام شده محصول تعیین و بر مبنای آن و سرمایه گذاریهای انجام شده و سطوح هزینه های زندگی و... نرخ مناسب محصول تعیین و پیشنهاد می شود. همچنین درآمدهای حاصل از کشاورزی، وضعیت اقتصادی تولیدکنندگان، درآمد بخش کشاورزی، مزیت های اقتصادی، صرفه و صلاح اقتصادی کاربرد سیستمها و روشها یا مکانیزمهای جدید و... توسط این مراکز محاسبه و اعلام می شود. مزارع خدمات پژوهشی وزارت کشاورزی امریکا که در هر منطقه کشاورزی یکی از آنها وجود دارد از جمله این مراکز (پژوهشهای کاربردی) است.

ب - پیشبینی قیمتها توسط وزارت کشاورزی (مراکز مورد اشاره در بند الف) مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و به اطلاع مدیران واحدهای تولیدکننده می رسد. اما در ایران تاکنون هیچیک از دو سیستم فوق بوجود نیامده یا مورد استفاده قرار نگرفته است.

درخصوص هدایت دولت در نظام کشاورزی تجاری حداقل چهار مقوله باید مورد توجه قرار گیرد:

یک - ارائه آگاهیهای لازم در زمینه های:

- تولید محصول برای بازارهای خاص یا مصرف کنندگان بخصوص

- بذره های مناسب برای تولید محصول صادراتی، دانش فنی برداشت محصول بدون عیب برای

صادرات.

- کاربرد بهینه عوامل.

مدیریت در کشاورزی تجاری

- شرایط و چگونگی نگهداری محصول، ساختن و استفاده از انواع انبارهای ساده و مناسب که با خصوصیات انواع مختلف محصول منطبق باشد و تغییر روشهای متداول سنتی.
- نحوه و انواع بسته‌بندی با توجه به نوع محصول، سلیقه مصرف‌کننده و رعایت مسائل بهداشتی.

- نحوه کاهش ضایعات در طول کشت، داشت، برداشت، نگهداری، تبدیل و عرضه محصول.
- وضعیت بازار و نیازهای مصرف‌کننده.
دو - استقرار بانک اطلاعاتی جامع در مورد محصولات کشاورزی و اطلاعات بازرگانی مربوط.
سه - اطلاع‌رسانی فراگیر بویژه در خصوص قیمت‌ها، وضعیت بازار، رقابت‌ها، بازاریابی مخصوص در بازار جهانی، تجارت مدرن و دیگر مسائل اقتصادی.
چهار - ارائه خدمات مشاوره‌ای.

متأسفانه در این مورد نیز مطلوبیت هدایت با مشکلاتی همراه است. آگاهی‌ها بیشتر در زمینه مسائل تولید متداول محصول ارائه می‌شود، بانک اطلاعات و نظام اطلاع‌رسانی فراگیر وجود ندارد. البته نوشته‌ها حاکی است که بخصوص در زمینه اطلاع‌رسانی حتی در کشورهای صنعتی نیز بخش کشاورزی در قیاس با بخش صنعت (نسبت به آگاهی‌های ضرور و موردنیاز بخش) از امکانات کمتری برخوردار است چه رسد به کشور ما که هنوز پایه‌های اولیه کار را مستحکم نکرده‌ایم. حال آنکه بازاریابی یا بررسی بازار و هدایت تولیدکنندگان برای برآورد نیازهای مصرف‌کنندگان از اهمیت اساسی در کشاورزی تجاری و در تجارت محصولات کشاورزی برخوردار است.

اهم اقدامات حمایتی دولت از دیدگاه کشاورزی تجاری را می‌توان به شرح زیر برشمرد:
الف - تهیه و تدوین یک برنامه درازمدت ۱۵ تا ۲۵ ساله منظور حمایت و تشبیت هدف‌ها، راهبردها، و سیاست‌های کلان تا به عنوان چارچوب اصلی از تغییرات مداوم براساس برنامه‌های کوتاهمدت و سیاست‌های مقطعی جلوگیری به عمل آید.

ب - حمایت از گسترش تحقیقات و توسعه منابع انسانی.

ج - حمایت از ساختارسازی و سازماندهی‌های مناسب و جلوگیری از اینکه این موارد دستخوش اعمال سلیقه‌های شخصی و خلق‌الساعه شود. در فرانسه براساس قانون تکمیلی هدایت کشاورزی (مصوب ۱۹۶۲) به گروه‌هایی اجازه تشکیل گروه تولیدکنندگان را می‌دهند که این گروه‌ها به حد نصاب معینی از تولید برسند و متعهد به رعایت ترتیب مشخصی برای عرضه محصول

به بازار شوند. در این صورت اعضا به مدت چند سال می‌توانند از کمک مالی دولت برای شروع و ادامه فعالیت خود بهره‌مند شوند. (۱۳)

- د - حمایت از سرمایه‌گذاری و توسعه سیستم‌های مناسب حمل و نقل محصولات کشاورزی مثل ناوگان زمینی دارای وسایل سردکننده و ناوگان هوایی برای جابه‌جایی سریع.
- ه - حمایت از صادرکنندگان در مقابل خریداران خارجی - خریداران خارجی به لحاظ اینکه سازمان یافته‌اند و از سیستم‌های پیشرفته اطلاع‌رسانی و کسب اطلاعات برخوردارند می‌توانند به منظور کسب سود بیشتر واکنش‌های سریع از خود نشان دهند.
- و - سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی.
- ز - حل مشکلات صادرات از نظر مالیاتی، تسهیلات اعتباری، ارزی، حمل و نقل و...
- ح - حل مشکلات بهره‌وری آب، خاک، سرمایه، نیروی انسانی و نهاده‌ها.
- ط - تنظیم بازار محصولات کشاورزی.

نظام بین‌المللی

براساس برآوردها، دانش و تکنولوژی کنونی امکان آن را فراهم آورده است که مواد غذایی لازم برای حدود ۱۰ میلیارد نفر تهیه شود، اما به لحاظ عدم استفاده از امکانات دست نخورده در بعضی از کشورها، کمبود سرمایه و نیز انحصارگری برخی از کشورهای صاحب تکنولوژی و سرمایه انجام این مهم در حال حاضر امکانپذیر نیست.

دگرگونی مهم دیگری که در اقتصاد جهانی در حال وقوع است «جهانی شدن اقتصادهای ملی» است. جهانی شدن اقتصاد ملی همراه آزادسازی، کاهش مقررات دست و پاگیر، جریان سریع سرمایه و قدرت جابه‌جایی بیشتر آن موجب اهمیت و حساس شدن بیش از پیش مدیریت کلان کشور شده است. به طوری که عملکرد مطلوب این مدیریت ارزش افزوده بسیاری را فراهم می‌آورد و سیاست‌های اشتباه هم مشکلات فراوانی را بر ملتها تحمیل می‌کند.

کشورهای پیشرفته از جمله آمریکا و کشورهای اروپایی به لحاظ اینکه بالاترین تولید و انباشت محصولات کشاورزی را دارند و از صادرکنندگان عمده محصولات کشاورزی به شمار می‌روند با اقدامات مختلف (حمایت از تولید داخلی، کاهش واردات، اثرگذاری در قیمت‌ها، انعقاد قراردادهای دو یا چند جانبه، امضای موافقتنامه‌های ویژه، ایجاد اتحادیه‌ها و بازارهای مشترک و

مدیریت در کشاورزی تجاری

غیره) برای حفظ موقعیت خود می‌کوشند و بر سایر کشورها و بخصوص کشورهای در حال توسعه اثر می‌گذارند.

به طور کلی روند بازرگانی بین‌المللی به گونه‌ای است که سیستم اقتصادی و بازرگانی کشورها را چه فعالیت وسیعی در این زمینه داشته باشند و چه نداشته باشند سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وضعیت گات و موجودیت WTO به نحوی است که بی‌شک موجب افزایش تجارت محصولات کشاورزی می‌شود و این امر تأثیر اقدامات دیگر کشورها را تشدید می‌کند. بنابراین به لحاظ اثرگذاری وسیع تغییرات بین‌المللی نظامهای دولتی باید به دقت مراقبت کرده و سعی کنند که با اطلاع از تغییرات عکس‌العملهای مناسبی نشان دهند و از تأثیر منفی پیامدهای اقدامات فراملی بکاهند.

بحث و نتیجه

نتایج حاصل از بحثهای مختلفی را که مطرح شد می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. با آنچه که گفته شد باید تعریف جدیدی از کشاورزی تجاری به دست داد. به نظر نگارنده «کشاورزی تجاری نظامی از کشاورزی است که در آن بهینه‌سازی ترکیب عوامل و استفاده از منابع و امکانات برای کسب حداکثر تولید محصولات کشاورزی یا سود یا دستیابی به هدفهای خاص در تولید و بازرگانی محصولات کشاورزی مدنظر است.»
۲. از دید بین‌المللی تقاضا برای محصولات کشاورزی در جهان به دلیل رشد جمعیت و بهبود وضعیت اقتصادی برخی کشورها نظیر چین و هند در حال افزایش است. از دید داخلی سیاستهای جدید کشور (جدا از درآمدهای نفتی و متنوع کردن صادرات غیرنفتی) و جهتگیریهای احتمالی نقدینگیهای بخش خصوصی به سوی محصولات کشاورزی و غذایی به دلیل قیمتهای بالای مسکن و تعزیراتی شدن معاملات ارز می‌تواند عرضه تجارت محصولات کشاورزی را ناسالم سازد. تلفیق این دو جریان بین‌المللی و داخلی ممکن است موجب شود که اگر کشور با سیاستهای محوری در جهت تأمین محصولات کشاورزی و تأمین مواد غذایی پیش نرود ممکن است با مشکل روبه‌رو شود.
۳. کسب توفیق در کشاورزی تجاری مستلزم شناخت بازارها، خواسته‌های مصرف‌کنندگان و رقبا و نیز سرمایه‌گذاری و تلاشهای آگاهانه‌تر در زنجیره تولید تا توزیع است.
۴. آینده توسعه کشاورزی به تفکر، برنامه‌ریزی و استفاده بیشتر و بیشتر از تکنولوژی

بستگی دارد. توسعه تکنولوژی نیز به نوبه خود مستلزم سرمایه گذاری در دستیابی به یافته‌های جدید تحقیقاتی و انتقال آن به دست‌اندرکاران و نظام‌های تولید و بهره‌برداری است.

۵. به استناد نظریه عمومی سیستمها، کارکرد مطلوب یک نظام و بخصوص یک نظام فرودست جز به مدد دیگر نظامها و بخصوص نظامهای فرادست و محیط استمرار نخواهد یافت. به عبارت دیگر اگر نظامهای تولید و بهره‌برداری خرد بخواهد در قالب کشاورزی تجاری نمود پیدا کند به ناچار نظامهای میانی کشاورزی و نظام اجرایی کلان کشور نه تنها باید آن را تأیید و تقویت کنند بلکه باید به صورتهای مختلف اثرات ناگوار سیستمهای بین‌المللی را به حداقل ممکن تقلیل دهند، در غیر این صورت نظامهای تولید و بهره‌برداری خرد در جریان تغییرات تدریجی خود در بستر متغیر محیط نمود بایسته تجاری را بیدار نخواهند کرد و توفیقات به دست آمده بی‌اثر خواهد شد.

همان‌طور که از بحثها برمی‌آید نظام تولید و بهره‌برداری خرد کشاورزی در کشور ما با توجه به جمعیت و سطح اشتغالی که دارد ضمن تأثیرپذیری از نظامهای میانی کشاورزی، نظام کلان کشور و نظامهای بین‌المللی اثر قابل توجهی در سطح ملی دارد. متأسفانه کارکرد این نظام هنوز مطلوبیت بایسته خود را پیدا نکرده است. نظامهای میانی کشاورزی نیز در جهت منافع و هدفهای خود گام برمی‌دارند نه تقویت نظام تولید و بهره‌برداری خرد. نظامهای بین‌المللی نیز تنها خود را می‌بینند. در این میان دولت یا نظام اجرایی کلان کشور حتی اگر همه امکانات را در اختیار داشته باشد و مجموعه سیاستها و نظامهای داخلی هماهنگی باشد مسئولیت سنگینی را در انجام امور داخلی و پیوند نظامهای داخلی و خارجی برعهده دارد و باید یک سیستم منسجم ملی را بوجود آورد.

تلفیق هدفهای کلان کشور و هدفهای بنگاههای اقتصادی یا بهره‌برداران مسئله‌ای است که در بعضی از کشورها به وضوح دیده می‌شود. آنهایی که با اقتصاد ژاپن آشنایی دارند می‌دانند که ژاپن سالهاست که با طنز اقتصادی به شرکت سهامی ژاپن (Japan inc.) مشهور است. به عبارت بهتر همسویی و یکپارچگی تصمیمگیری مسئولین کلان کشور ژاپن از یک طرف و اجرای سیاستهای مزبور یا اتخاذ سیاستهای بخشی و دستگاهی توسط مدیران واحدها به نحوی است که در مجموع به صورت یک شرکت سهامی عمل می‌کنند و همین امر سالهاست موجب توفیق اقتصاد بدون نفت ژاپن شده و سالانه بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار مازاد ارزی داشته است.

پیشنهادها

۱. بعد از تغییرات سالهای اخیر در اقتصاد ایران و بخصوص اثرات ناشی از حرکت به سوی تک نرخی شدن ارزش تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران به عامل محکمتری به نام برنامه‌ریزی مطمئن و درازمدت احتیاج دارند تا در بستر مطمئن‌تری به سرمایه‌گذاری بپردازند. به همین دلیل احساس می‌شود که کشور به یک برنامه درازمدت استراتژیک ۱۵ تا ۲۵ ساله نیازمند است تا براساس آن هدفها، راهبردها و سیاستهای کلان مشخص شده و نمای روشنی از آینده ترسیم و فراروی تصمیمگیران قرار گیرد و تثبیت نسبی فراهم شود.
۲. سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی (آب، برق، راه، تحقیقات، توسعه منابع انسانی و تکنولوژی) مورد توجه خاص قرار گیرد و به کشاورزی عنایت بیشتری شود.
۳. آموزش مدیران واحدهای نظام تولید و بهره‌برداری خرد برای برنامه‌ریزی مزرعه و تهیه بودجه کشاورزی و نیز آموزش مدیران واحدهای بهره‌برداری یکصد هکتاری و بالاتر برای تدوین یک سیستم مناسب مدیریت مزرعه و اجرای آن ضروری است.
۴. ضرورت دارد کمیته مشترکی از مسئولین وزارتخانه‌ها و مؤسسات مختلف دست‌اندرکار تشکیل شده و برنامه فراگیری برای آموزش در زمینه بازاریابی محصولات کشاورزی در داخل و خارج کشور، شناخت بازارها، مکانیزمهای اقتصادی مؤثر و... تهیه و اجرا شود.
۵. تشکیل مراکز پژوهشهای کاربردی برای بخش کشاورزی از نظر تعیین سیاستهای مربوط به قیمتگذاری محصولات کشاورزی و دیگر سیاستها و اطلاعات و سنجش اقتصادی کاربرد تکنولوژیهای جدید یک ضرورت است.
۶. ایجاد بانک اطلاعات کشاورزی (برای جمع‌آوری و ارائه کلیه اطلاعات پایه‌ای، فنی و اقتصادی و بازرگانی) مورد توجه قرار گیرد.
۷. سیستم مناسبی برای پیشبینی قیمتها و دیگر تغییرات فنی و اقتصادی و اطلاع‌رسانی به واحدهای تولیدی در وزارت کشاورزی ایجاد شود تا از طریق آن مدیران واحدهای تولیدی از قیمتها، بازار، قابلیت رقابت، جانشینی محصولات و... اطلاعات لازم تصمیمگیری را به دست آورند.
۸. ارائه آگاهیهای لازم در زمینه ترکیب عوامل برای تولید تا نگهداری و توزیع گسترش بیشتری پیدا کند.
۹. توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، گسترش سیستمهای حمل و نقل و ایجاد تشکلهای مخصوص

تشکلهای مربوط به ارائه خدمات کشاورزی و بازاریابی محصولات کشاورزی مورد حمایت قرار گیرد.

۱۰. دولت به تأمین نقدینگی برای تولیدکنندگان، پرورش مدیران کشاورزی، توزیع امکانات براساس ظرفیتها، تقویت تعاونها و بخصوص تعاونهای اعتبار و بازاریابی کشاورزی، مدیریت آسیبهای ناخواسته در کشاورزی تجاری، و افزایش بهره‌وریها بیشتر توجه کند.

۱۱. یک نظام سنتی نمی‌تواند توقع جامعه از بخش کشاورزی را برآورده سازد. بنابراین ضرورت دارد که ساختار آن تغییر و تحول اساسی پیدا کند.

۱۲. با استفاده از معیارهای مزیت نسبی در انتخاب کالا و هزینه فرصت برای تعیین سیاست جایگزینی واردات و دیگر معیارها شرایط و پتانسیل کشاورزی کشور مورد بررسی مجدد قرار گرفته و باتوجه به این مطالعات و نیز شرایط اقلیمی و اقتصادی از نظر جغرافیای کشت اقتصادی کردن فعالیتها در بخش کشاورزی مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

۱۳. به منظور تقویت تعاونهای کشاورزی چند فروشگاه تعاونی عرضه محصولات کشاورزی در پنج شهر بزرگ کشور (تهران، مشهد، تبریز، شیراز و اصفهان) ایجاد شود و سپس به مراکز استانها و شهرهای بزرگ دیگر گسترش یابد.

۱۴. کمیسیون خاصی مرکب از نمایندگان کلیه سازمانهای دست‌اندرکار مسائل و مشکلات صادرات (بخصوص انتخاب و آموزش صادرکنندگان) را مورد توجه قرار داده و تصمیمات لازم برای حل آنها اتخاذ کنند.

۱۵. جهانی شدن اقتصاد و اثر تغییرات نظامهای بین‌المللی مستلزم نظارت دقیقتر، و واکنش سریعتر در مقابل سیاستهای بین‌المللی و منطقه‌ای است بنابراین ضرورت دارد که مجموعه‌ای از حقوقدانان، متخصصین بازرگانی بین‌المللی، متخصصین اقتصاد و سیاست بین‌المللی، اقتصاددانان کشاورزی و تغییرات آن را بررسی کرده و چاره‌اندیشی کنند.

۱۶. و بالاخره، شکلگیری یک نظام مناسب کشاورزی تجاری و کارکرد مطلوب آن تلاش آگاهانه همه آحاد کشور و همه نظامها و واحدهای دست‌اندرکار را طلب می‌کند.

منابع :

۱. حق، دکتر محمدعلی ۱۳۷۲
بخش کشاورزی: جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، مالی و هدفهای توسعه - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه،
سال اول شماره ۲ تابستان ۷۲ صفحه ۸۸ تا ۱۰۱
۲. حق، دکتر محمدعلی ۱۳۷۲
بخش کشاورزی: جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، مالی و هدفهای توسعه - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه،
سال اول شماره ۳ پاییز ۷۲ صفحه ۴۴ تا ۶۳
۳. حق، دکتر محمدعلی ۱۳۷۳
بخش کشاورزی و مسائل مالی، اجتماعی، نهادی و سرمایه‌گذاری - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال
دوم شماره ۶ تابستان ۷۳ صفحه ۵۲ تا ۶۴
۴. خادم آدم، دکتر ناصر ۱۳۷۳
سیاست توسعه تکنولوژی سازوار در اقتصاد روستایی - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوم شماره
۵ بهار ۷۳ صفحه ۹۰ تا ۱۱۲
۵. درویشی، عبدالکریم (ترجمه و تلخیص) ۱۳۷۲
نقش دولت و اقتصاد بازار: سیاست‌گذاری در بخش کشاورزی - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال اول
شماره ۲ تابستان ۷۲ صفحه ۱۱۷ تا ۱۳۰
۶. رئیس دانا، دکتر فریبرز ۱۳۷۲
آزادسازی اقتصادی و مسئله جابه‌جایی درآمد بین بخش کشاورزی و غیرکشاورزی - ویژه‌نامه سمینار
آزادسازی و توسعه کشاورزی - از انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی صفحه ۳۶ تا ۶۰

اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۱۶

۷. رسول‌اف، جلال ۱۳۷۵

سرمایه‌گذاری در کشاورزی یک الزام جهانی - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه - سال چهارم شماره ۱۳
بهار ۷۵ صفحه ۶۵ تا ۱۰۰

۸. سلطانی، دکتر غلامرضا ۱۳۷۲

سیاست بازرگانی و توسعه کشاورزی - ویژه‌نامه سمینار آزادسازی و توسعه کشاورزی - از انتشارات مرکز
مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی صفحه ۱۶۳ تا ۱۷۴

۹. صدرالاشراقی، دکتر مهریار ۱۳۵۸

اصول مدیریت و مدیریت کشاورزی - از انتشارات دانشگاه تهران

۱۰. طالب، دکتر مهدی

آزادسازی کشاورزی، توسعه کشاورزی یا مرگ روستاها - ویژه‌نامه سمینار آزادسازی و توسعه کشاورزی - از
انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی صفحه ۲۴۹ تا ۲۶۰

۱۱. عظیمی، دکتر حسین ۱۳۷۳

آینده تحولات اقتصادی، اجتماعی ایران از دیدگاه مباحث علمی توسعه - فصلنامه اقتصاد
کشاورزی و توسعه، سال دوم شماره ۵ بهار ۷۳ صفحه ۵۴ تا ۶۸

۱۲. فردوسی، رحمت‌اله ۱۳۷۴

بررسی منابع ریسک و عدم حتمیت در کشاورزی - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سوم شماره ۱۲
زمستان ۷۴ صفحه ۱۴۵ تا ۱۵۳

۱۳. لولون، پی‌یرو دووینلد؛ روبر (ترجمه دکتر محمد حیاتی) ۱۳۶۹

بازارهای کشاورزی - از انتشارات سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی

۱۴. مجتهد، دکتر احمد ۱۳۷۳

ارزیابی سیاستهای کشاورزی ایران - روزنامه سلام دوشنبه ۲۳ خرداد ۷۳ صفحه ۷

۱۵. مریدی، دکتر سیاوش ۱۳۷۲

سیاست آزادسازی اقتصادی و کشاورزی ایران - ویژه نامه سمینار آزادسازی و توسعه کشاورزی - از انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی صفحه ۱۷۵ تا ۲۰۵

۱۶. نجفی، غلامعلی ۱۳۷۳

ساختار نظام کشاورزی، بررسی وضع موجود و شرایط آزادسازی - فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه سال دوم شماره ۸ زمستان ۷۳ صفحه ۵۵ تا ۹۱

۱۷. نجفی، غلامعلی ۱۳۷۵

فقر، امنیت غذایی و جامعه روستایی - ویژه نامه فقر و آسیب پذیرگی روستایی، از انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی صفحه ۱۸۷ تا ۲۱۲

۱۸. نورتون، راجرد (ترجمه رزیتا لطفی) ۱۳۷۲

مسائل کشاورزی در برنامه های تعدیل ساختاری - از انتشارات مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی

19. Bautista, Romeo M., 1990

Development strategies, foreign Trade Regimes, and Agricultural incentives in Asia, Journal of Asia Economics, vol. I. No. Spring 1990

20. FAO, 1996

Food and International Trade, wfs96, Tech/8, provisional version, April 1996



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انسانی